



مقدمه اول (صوفی): اگر بر وجود نظر کنیم، خود را پدید آمده می‌بینیم که وجودی هستی مای که خود مای  
از یاد بیرونمان نیز همین گونه اند

مقدم دوم (کبری): پدید آمده‌ای که بودن آن در خودی آن است، برای موجودی که نیازمند به چیزی دیگر است  
هستند که خود را پدید نیابند بلکه در برابر خود را با وجود

نتیجه: ما و همه پدید آمده‌ایم، در پدید آمدن وجود خود به آگاهی‌های نیازمندیم که خود را  
پدید نیابند و بر همه هستی‌ها این وجود بر روی مای فرا ما پدید می‌آید